

مبارزات زنان از جنس مبارزات کارگران است

مینا فرخنده

به نقل از به پیش! شماره ۱۵، ۲۱ تیر ۱۳۸۵، ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۶

در نظام سرمایه داری، دنیا به دو اردوگاه تقسیم شده، دنیای سرمایه دارها که صاحب سرمایه و ابزار تولید هستند و دنیای کارگران که هیچ سرمایه ای به غیر از قدرت کار بازوان و تفکر خود ندارند که آن را هم مجبورند بخاطر زنده ماندن خود و خانواده خود به سرمایه داران برای فروش عرضه کنند. سرمایه داران برای تولید کالا و در نتیجه ارزش اضافه همیشه نیروی کار را خریدارند و زنان هم در دنیای سرمایه داری، در اقصی نقاط جهان به صورت یک کالا و ابزار همیشه قابل عرضه و خرید و فروش بوده اند. زن مانند ابزاری است که می تواند در حریم خانواده برای سرمایه داری نیروی کار تازه نفس بیافریند و آن را به جامعه عرضه کند، یا اینکه زن می تواند نیروی کار یک کارگر را که در طول روز و طی کار روزانه به تحلیل رفته است با ارزانترین شکل ممکن برای سرمایه داری دوباره باز سازی کند و نیازهای مردانه را در حریم خانواده و به ارزان ترین شکل و بطور منظم و بی دردسر برآورده کند و در نتیجه جامعه سرمایه داری میتواند دارای نظم و آرامش دلخواه باشد. در بیشتر نقاط جهان وقتی که زنان خانه دار پیر می شوند و نقش آنان به عنوان ماشین تولید و باز تولید نیروی کار به پایان می رسد، هیچ حقوقی به آنها تعلق نمی گیرد و می بایست باقی عمر خود را چشم به دست این و آن داشته باشند، و هر آنکه برایش هنوز نیرویی مانده می تواند دوباره در خانواده جدید و با نوه ها شروع به کار کند یا به قولی مفید باشد. شیوه تربیت و فرهنگ، بخصوص در جوامع شرقی و اسلامی این امکان را برای جامعه سرمایه داری بوجود آورده، بدون اینکه غیر عادی بودن و ظالمانه بودن آن محسوس باشد، مادران پیر و از کار افتاده بدون هیچ حقوق اجتماعی، تحت تکفل فرزندان قرار می گیرند. به تازگی هم در جوامع اروپایی مثل آلمان دولت در تلاش است با تثبیت قوانین جدید، زنان از کار افتاده خانه دار که قبلا از امکانات رفاهی دولتی و زندگی مستقلی برخوردار بودند وابسته به فرزندانشان بکند.

دیگر اینکه سرمایه داری با موهبت تجارت سکس و تعمیم آن از طریق انواع و اقسام تبلیغات، سودهای کلان می برد. در واقع اینجا زنان مانند یک برده جنسی، یک کالا، مورد صادرات و خرید و فروش قرار می گیرند؛ نمونه اش در ایران فروش دختران کم سن سال و در واقع هنوز کودک به کشورهای عربی است که همه ما از فجایع آن باخبر هستیم. زنان با کسب حق حضانت فرزندان خود مجبور شده اند هر چه بیشتر از جامعه فاصله بگیرند و در گوشه خانه به تربیت فرزندان خود بپردازند. زنان تنها روز به روز فقیرتر می شوند و تحت فشارهای مالی، روحی و انواع سرکوفتهای اجتماعی قرار دارند، به آنها منت گذاشته می شود که در عوض همه سختی ها شما حق نگهداری از کودکان خود را دارید و بدون اینکه حقوق و مزایای کاری به آنها تعلق بگیرد، از زنان بیگاری کشیده می شود تا کودکان این نیروی کار تازه نفس برای سرمایه داری پرورش یابد. مادران تنها مجبور می شوند بخاطر شرایط نامساعد کاری که دارند با نازل ترین قیمت و بدترین شرایط کاری نیروی کار خود را به فروش برسانند، اغلب بخاطر فشار بار مسئولیت، نداشتن فراغت کافی و مشکلات کودکانشان دچار ناهنجاری های روحی می شوند و این خود عاملی برای سرکوفت بیشتر از طرف جامعه بر

آنها می شود. در عوض کارگران مرد، می توانند با دستان باز نیروی خود را در بازار کار عرضه کنند و با تمام توان برای سرمایه دارها ارزش اضافه تولید کنند و سودآور باشند. اگر زنان در اروپا واقعا بخواهند از دستاورد هایی که طی سالها مبارزه بچنگ آمده بطور واقعی به نفع خود استفاده کنند و دست سوء استفاده گر سرمایه داری را از آن کوتاه کنند، چاره ای بغیر از مبارزه با نظام سرمایه داری حاکم ندارند.

زنان در ایران روز بروز بیشتر با حقوق حقه خود آشنا می شوند، دیگر تحمل قوانین قرون وسطایی مردسالارانه جمهوری اسلامی را ندارند. زنان خواهان تشکل های مستقل خود، مبارزه متشکل و سازمان یافته خود هستند، به انحاء مختلف برای کمک و یاری هم دست دراز کرده اند. صندوق های تعاونی، فراهم کردن امکان کار برای زنان خانواده های کم درآمد، فیلم هایی که به نفع زنان و برای کمک به آگاه سازی زنان ساخته می شود، برگزاری روز جهانی زن، ... همه و همه از این جنس هستند. جمهوری اسلامی سعی در پنهان کردن زن در میان حجاب و گوشه خانه ها دارد. این زن محصور شده در هاله قوانین قرون وسطایی، چه خودش و چه مد لباس و لوازم آرایشی و استفاده از "جذابیت های زنانه" برای تبلیغات کالاها تولیدی مختلف دیگر آنچنان راحت در دسترس سرمایه دار ایرانی نیست و برایش بصورت یک کالای قاچاق و نامطمئن در آمده است، هر چند که نوترین و دست اول ترین ژورنال های مد، لوازم آرایشی در ایران بدون فاصله ای بعد از انتشار و تولید، سریع در دسترس است اما همانطور که در بازار سرمایه در ایران روی هیچ کالایی نمی شود با آسایش سرمایه گذاری کرد، بر روی آن هم آزادانه سرمایه گذاری کردن یک ریسک است و دیگر سرمایه داری نمی تواند از وجود این "کالا" آزادانه سود های کلان ببرد. از سوی دیگر سرمایه داری اهل معامله است، آزادی زنان برای آن تا آنجایی معنی می دهد که برایش سود آور باشد. برای سرمایه داری زن هیچ وقت بعنوان یک انسان از ارزش خاصی برخوردار نبوده و نیست. حقوقی از قبیل حق حضانت کودک، حق طلاق، ... در این جامعه قابل خرید و فروش است، به همین دلیل زنانی که توان خرید این مواهب انسانی را ندارند، زنان زحمتکش کم درآمد، تنها مبارزان پیگیر در راه رهایی زنان هستند، چرا که آنها می دانند برای احقاق حقوق خود، حق طلاق، حق حضانت و ... تنها راه چاره شان مبارزه است و بغیر از مبارزه راه دیگری ندارند.

به هر حال تشکل های زنان که مدعی بر اندازی ستم بر زنان هستند، اگر واقعا بخواهند در مبارزه خود برای احقاق حقوق انسانی و براندازی ستم جنسی پیگیر باشند، در نهایت هیچ چاره ای ندارند بغیر از اینکه با کارگران این هم دردان واقعی خود دست بدست هم دهند و با نزدیکی خود به جنبش کارگری و کسب حمایت کارگران، به مبارزه خود ادامه دهند. چرا که تنها کارگران مبارزان پیگیر در راه براندازی نظام کالایی هستند و گرنه تا زمانی که نظام کالایی حاکم است، زن برای جامعه سرمایه داری همچنان به عنوان یک کالای پر سود غیر قابل چشم پوشی است و مسئله ستم بر زنان همچنان به شکل های مختلف باقی خواهد ماند.